

بررسی علل عدم موفقیت نظام بانکی در جلب اعتماد عمومی نسبت به حذف ربا

مهدی خطیبی

پس از مطرح شدن نظریه بانکداری بدون ربا و بانکداری اسلامی و عملیاتی شدن آن در برخی از کشورهای جهان از جمله ایران، بررسی میزان موفقیت آن در مقام اجرا مورد توجه محققان قرار گرفت. از آنجا که بانکداری بدون ربا زیرمجموعه بانکداری اسلامی است، بسیاری از محققان درصدد طراحی شاخص یا شاخص‌هایی برای ارزیابی میزان موفقیت بانکداری اسلامی برآمدند.^۱ پس از طراحی شاخص، برخی دیگر از محققان با انجام تحقیقات میدانی و گردآوری اطلاعات از طریق توزیع پرسش‌نامه بین کارمندان و مشتریان بانک درصدد محاسبه کمی میزان موفقیت بانکداری اسلامی برآمدند. در یکی از این تحقیقات میزان موفقیت بانکداری اسلامی با استفاده از شاخصی ترکیبی در بانک‌های ایران با نظر سنجی از کارشناسان و مدیران بانکی محاسبه شده است. یکی از مهمترین معیارهای ارزیابی که بالاترین وزن را داشته حذف ربا بوده است. نماگر انتخاب شده برای این معیار نسبت ارزش قراردادهای صوری منتهی به ربا به کل قراردادها بوده است.^۲ نتایج تحقیق نشان می‌دهد بانک‌های دولتی ۵۱ درصد، بانک‌های نیمه دولتی ۴۳ درصد و بانک‌های خصوصی ۳۷ درصد در عمل به بانکداری اسلامی موفق بوده‌اند.^۳ در پژوهشی دیگر صوری بودن قراردادهای بانکی به عنوان شاخصی برای ارزیابی ربا در شعب بانک تجارت مشهد محاسبه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد بیش از نیمی از قراردادهای شعب بانک تجارت مشهد صوری است.^۴ در پژوهش سومی همین مسئله (صوری بودن

۱. موسویان، سیدعباس، ابراهیمی، میمنت، شاخصهای ارزیابی بانکداری اسلامی، نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی، ۸ و ۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۲، تهران- مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما؛ توکلی، محمدجواد، کریمی، عبدالخالق، شاخص بانکداری اسلامی، معرفت اقتصادی، شماره ۱۱، سال ششم، ۱۳۹۳، ۷۱-۹۴

۲. انتخاب این نماگر به این دلیل است که در بانکداری متعارف از تمامی سپرده‌ها و تسهیلات مبتنی بر قرض ربوی است؛ در بانکداری اسلامی برای تبدیل ربای قرضی به معامله حلال از عقود اسلامی به جای قرض ربوی استفاده می‌شود. اگر قراردادها صوری باشند، هدف مورد نظر حاصل نخواهد شد.

۳. حکیمی پور، نادر، ارائه شاخص ترکیبی ارزیابی بانکداری اسلامی مطالعه موردی بانکهای ایران، اقتصاد اسلامی، شماره ۷۲، زمستان ۱۳۹۷، ص ۱۵۱-۱۸۲

۴. نظریور، محمدنقی، یوسفی شیخ رباط، محمدرضا، ابراهیمی، میمنت، شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری

قراردادها به عنوان شاخصی برای محاسبه میزان ربا در شعب بانک ملت شیراز محاسبه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد ۵۰ درصد کارمندان و ۷۰ درصد مشتریان بانک بین سود بانکی و بهره فرقی نمی‌گذارند؛ همچنین ۸۴ درصد کارکنان و ۷۹ درصد مشتریان معتقد به فاکتورسازی در جریان اخذ وام هستند.

مراجع معظم تقلید نیز همیشه در صف مقدم اعتراض به بانک‌ها بوده‌اند و صدای اعتراض آنها بارها از رسانه‌ها منتشر شده است.^۵ به جرأت می‌توان گفت اعتراض مراجع به هیچ یک از مسائل حاکمیتی به اندازه اعتراض به نظام بانکی نبوده است.

البته برخی گزارش‌ها از رشد بانکداری اسلامی در سطح جهان و موفقیت آن خبر می‌دهد.^۶ اما باید توجه داشت که منظور از موفقیت در این سنخ گزارش‌ها جذب مشتریان بانکی است. یعنی این بانک‌ها توانسته‌اند بخش قابل توجهی از سپرده‌گذاران را جذب کنند. بنابراین سخن از سنجش میزان موفقیت آنها در حذف ربا نیست. همچنین می‌توان گفت در اکثر کشورهایی که بانکداری اسلامی راه اندازی شده است، بانکداری متعارف نیز فعال است و مشتریان در مراجعه به بانک اسلامی و متعارف مخیر هستند. معمولاً کسانی جذب بانکداری اسلامی می‌شوند که زمینه‌های مذهبی داشته باشند. این افراد انگیزه کافی برای رعایت مسائل دینی دارند؛ از این رو درصد موفقیت بانکداری اسلامی در چنین شرایطی بالا است. اما در ایران چون نظام بانکداری متعارف حذف شده است و همه بانک‌ها غیر ربوی هستند، همه به این بانک‌ها مراجعه می‌کنند؛ در بین مردم افراد فراوانی وجود دارند که به اندازه کافی نسبت به مسائل شرعی مبالات ندارند، و به وظایف خود به صورت کامل عمل نمی‌کنند؛ لذا درصد موفقیت در ایران نسبتاً پایین است.

به هر حال برای بررسی علل عدم موفقیت نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران در جلب اعتماد عمومی نسبت به حذف ربا لازم است بانکداری بدون ربا از صدر تا ذیل مورد ارزیابی قرار گیرد. به این منظور بر پنج محور زیر متمرکز خواهیم شد:

بدون ربا در ایران، بررسی موردی تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) سار چهاردهم، شماره سوم، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۹۲

^۵. <https://tn.ai/1999188>

^۶. تقی‌زاده، خدیجه، بانکداری اسلامی در برخی کشورهای جهان، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۶ و ۷،

اول: ارزیابی قانون عملیات بانکداری بدون ربا؛

دوم: ارزیابی محتوای آئین‌نامه‌های اجرایی و بخش نامه‌ها؛

سوم: ارزیابی محتوای قراردادها؛

چهارم: ارزیابی عملکرد مدیران و کارکنان و مشتریان بانک؛

پنجم: محدودیت‌های ذاتی بانکداری بدون ربا؛

ششم: محدودیت‌های ذاتی بانک به عنوان بستری برای قانون بانکداری بدون ربا.

در ادامه به بررسی موارد فوق می‌پردازیم.

ارزیابی قانون عملیات بانکی بدون ربا

اگرچه برخی معتقدند قانون عملیات بانکداری بدون ربا به لحاظ فقهی مشکل خاصی ندارد، و اشکالات آن را منحصر در کارایی آن در مقام اجرا می‌دانند،^۷ اما به نظر می‌رسد قانون مزبور از جهت فقهی نیز می‌تواند مورد نقد و بررسی قرار گیرد. در ادامه ابتدا به بررسی فقهی قانون مزبور پرداخته و سپس کاستی‌های آن را که باعث شده شبهه وجود ربا در نظام بانکی تقویت شود، متذکر می‌شویم.

بررسی فقهی قانون عملیات بانکی بدون ربا

قانون عملیات بانکداری بدون ربا که الان مبنای فعالیت نظام بانکی است، مشتمل بر پنج فصل است و در مجموع ۲۷ ماده دارد. عناوین فصول قانون عبارتند از:

۱- اهداف و وظایف نظام بانکی، ۲- تجهیز منابع پولی، ۳- تسهیلات اعطایی بانکی، ۴- بانک مرکزی ایران و سیاست‌های پولی، ۵- متفرقه.

طبق ماده ۵، بانک‌ها منافع حاصل از به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلند مدت را بعد از کسر حق الوکاله به نسبت مبلغ و مدت در بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کنند. در توجیه این مسئله به حوضی مثال زده می‌شود که دائم از یک طرف آب وارد آن می‌شود و از طرف دیگر خارج می‌شود و این جریان باعث می‌شود

^۷ . موسویان، سید عباس، نقد و بررسی قانون بانکداری بدون ربا، اندیشه، مرداد و شهریور ۱۳۸۴، ش ۵۴، ص ۱۱۹ تا ۱۴۰. ص ۱۲۳

همیشه حوض پر از آب باشد و اگر در این حوض ماهی پرورش یابد، متعلق به همه است.

به نظر می‌رسد قیاس سپرده‌ها به حوض پر از آب درست نباشد. سپرده‌ها به تدریج تجهیز شده و به تدریج تخصیص می‌یابند. بنابراین هنگام اعطای تسهیلات ممکن است بانک قصد کند تمام سپرده گذارانی که تا آن زمان سپرده گذاری کرده‌اند به نسبت سپرده‌هایشان در تسهیلات اعطایی شریک باشند، اما در تسهیلات آتی نمی‌توان سپرده گذاران سابق را شریک کرد؛ همچنین سپرده گذاران جدید در تسهیلاتی که قبلاً پرداخت شده است نمی‌توانند مشارکت داده شوند. این مسئله تقسیم سود را با چالش جدی مواجه می‌کند؛ چون در عقود مشارکتی سود حاصل حد خاصی ندارد، بنابراین ممکن است سود حاصل در برخی از تسهیلات بیشتر از حد متوسط باشد، بنابراین صاحبان سپرده‌هایی که منبع پرداخت آن تسهیلات بوده‌اند، سهم بیشتری از سود دارند. عکس قضیه نیز ممکن است اتفاق بیفتد؛ مثلاً ممکن است سود برخی از تسهیلات مشارکتی کمتر از حد متوسط باشد، پرداخت سود بیشتر به آنها در حقیقت پرداخت از سهم سود بقیه است. این در حالی است که طبق ماده پنج قانون همه سپرده گذاران به تناسب مبلغ و مدت در سود حاصل شریک هستند.

در ماده شش این قانون برای جذب و تجهیز سپرده‌ها سه مشوق قرار داده شده است:

الف: اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای سپرده‌های قرض الحسنه؛

ب: تخفیف یا معافیت سپرده گذاران از پرداخت کارمزد یا حق الوکاله؛

ج: دادن حق تقدم به سپرده گذاران برای استفاده از تسهیلات اعطایی بانکی در موارد مذکور در فصل سوم. برخی از مراجع تقلید مشوق اول را اگر به صورت شرط در ضمن قرارداد سپرده گذاری باشد جایز نمی‌دانند.^۸ حتی حذف چنین شرطی از متن قرارداد نمی‌تواند شبهه ربوی بودن را کامل از بین ببرد؛ چون بسیاری از سپرده گذاران شرکت در قرعه کشی را حق خود می‌پندارند. چنین پنداشتی ناشی از نوع تبلیغات بانک‌ها در مورد جوایز بانکی است. بر اساس این، شرکت در قرعه کشی به شرط ضمنی تبدیل می‌شود. یعنی شرطی که در متن عقد ذکر نشده، اما عقد بر آن بنا شده است.

علاوه آنکه عبارت «غیر ثابت» به معنای متغیر است. اگر کسی بگوید قانون مزبور دادن جایزه به همه سپرده گذاران را جایز شمرده است فقط نباید مقدار آن ثابت باشد سخن خلافی نگفته است. در حالی که منظور قانون

^۸. جامع الأحکام (صافی)؛ ج ۲، ص: ۳۰۳- توضیح المسائل (وحید)؛ ص: ۵۹۷- استفتاءات جدید (تبریزی)، ج ۲، ص: ۴۲۸

گذار اعطای جوایز بر اساس قرعه کشی است.

مشوق دوم نیز همین گونه است. بنای بانک بر ارائه تخفیف یا معافیت سپرده گذاران از برخی هزینه‌ها اگر به صورت صریح در متن قرارداد سپرده گذاری شرط شود قرارداد را ربوی می‌کند و اگر به صراحت ذکر نشود لااقل شبهه شرط ضمنی بودن در آن وجود دارد.

در مواد ۱۱، ۱۲ و ۱۳ از اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی سخن به میان آمده است. در هر سه ماده تأکید شده است که مشتری باید درخواست خرید کالا یا اجاره به شرط تملیک دارایی را داشته باشد و تعهد نماید کالای یا دارایی خریداری شده توسط بانک را بخرد یا اجاره نماید.

این در حالی است که تقاضای خرید یک کالا طبق روایات صحیحه هیچ تعهدی برای متقاضی نسبت به خرید آن ایجاد نمی‌کند.

در روایتی از امام صادق آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع - عَنْ رَجُلٍ طَلَبَ مِنْ رَجُلٍ ثَوْبًا بِعَيْنَةٍ - فَقَالَ لَيْسَ عِنْدِي وَ هَذِهِ دَرَاهِمُ فَخُذْهَا فَاشْتَرِ بِهَا فَأَخَذَهَا وَ اشْتَرَى ثَوْبًا كَمَا يُرِيدُ ثُمَّ جَاءَ بِهِ لِيَشْتَرِيَهُ مِنْهُ فَقَالَ أ لَيْسَ إِنْ ذَهَبَ الثَّوْبُ فَمِنْ مَالِ الَّذِي أُعْطَاهُ الدَّرَاهِمُ قُلْتُ بَلَى فَقَالَ إِنْ شَاءَ اشْتَرَى وَ إِنْ شَاءَ لَمْ يَشْتَرِهِ قَالَ فَقَالَ لَا بَأْسَ بِهِ.^۹

در این روایت صراحتاً بر عدم تعهد متقاضی نسبت به خرید کالای درخواستی تأکید شده است.

تبصره سوم ماده ۱۵ به هزینه ثبتي قراردادهای متعدد مربوط به تسهیلات پرداخته است. در انتهای این تبصره آمده است: «ملاک تشخیص ارتباط قراردادهای اعلام بانک ذی ربط می‌باشد.»

به نظر می‌رسد این عبارت در صدد تحکیم نظر بانک در موارد اختلاف است. این در حالی است که بر اساس ضوابط باب قضا یکی از طرفین اختلاف نمی‌تواند دیدگاه خود را معیار حل اختلاف قرار دهد و این اختلاف باید به محاکم قضایی ارجاع شود.

طبق تبصره ماده ۳ بانکها در سپرده‌های سرمایه گذاری بلند مدت نقش وکیل را دارند. و در ماده ۵ تصریح شده که منافع حاصل از عملیات به کار گیری سپرده های بلند مدت به نسبت مدت و مبلغ و رعایت سهم بانک

۹. الکافی (ط - الإسلامية)؛ ج ۵، ص ۲۰۳

تقسیم می شود. در این ماده هیچ سخنی از حق الوکاله به میان نیامده است. به رغم این، در بند چهارم ماده ۲۰ تعیین حق الوکاله بانک در به کار گیری سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت به بانک مرکزی سپرده شده است. واگذاری تعیین حق الوکاله به بانک مرکزی در حالی است که در هیچ یک از مواد قانون مزبور سخنی از مجاز بودن بانک برای دریافت حق الوکاله سخن به میان نیامده است. علاوه بر آن، ابهام دیگری در مورد حق الوکاله وجود دارد. وکالت فی نفسه عقدی جایز و مجانی است. موکل می تواند در هر زمان وکیل را عزل کند. عمل به شروط ضمن عقود جایز نیز الزامی نیست. بنابراین سپرده گذاران می توانند از پرداخت حق الوکاله به بانک امتناع کنند. حتی بر مبنای کسانی که شروط ضمن عقد جایز را تا زمانی که عقد فسخ نشده لازم الاجرا می دانند باز هم سپرده گذاران می توانند با لغو وکالت بانک در به کار گیری سرمایه ها نسبت به بازپس گیری وجوه خود و امتناع از عمل به شرط خودداری کنند. نکته سوم در مورد حق الوکاله آن است که دقیقاً مشخص نیست حق الوکاله درصدی از سپرده ها است یا درصدی از سود حاصل از به کاری گیری سپرده ها. در منظور دومی باشد با اشکال غرری بودن مواجه است. این اشکال طبق مبنای کسانی که غرر را به غیر بیع و به شروط ضمن عقد تعمیم می دهند می تواند قانون مزبور را با اشکال فقهی مواجه سازد.

اشکال دیگر مربوط به سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت است. بانک وکیل سپرده گذاران در انجام سرمایه گذاری مستقیم یا معاملات انتفاعی با متقاضیان تسهیلات است، بنابراین مالک وجوه دریافتی نمی شود. از این رو بانک باید وجوه دریافتی از سپرده گذاران بلند مدت را جداگانه نگهداری نماید و فقط به تسهیلات اعطایی تخصیص دهد.

طبق ماده ۴ بانک ها می توانند سپرده های سرمایه گذاری بلند مدت را تعهد کنند. یعنی اگر سرمایه گذاری ضرر کرد، بانک موظف به جبران ضرر است. از طرفی طبق قانون بانک ها می توانند این سپرده ها را مستقیم سرمایه گذاری کنند یا در قالب فروش اقساطی و مضاربه و ... به دیگران واگذار کنند. در سرمایه گذاری مستقیم اگر بانک اصل سرمایه را تعهد کند طبق فتوای کسانی که تضمین اصل سرمایه در مضاربه را سبب تبدیل شدن آن به قرض می دانند در اینجا نیز وکالت در سرمایه گذاری تبدیل به قرض می شود.^{۱۰}

در ماده ۲۱ تصریح شده که بانک مرکزی با سایر بانک ها و همچنین بانکها با یکدیگر مجاز به عملیات ربوی

۱۰. قراءات فقهیه معاصره، ج ۲، ص: ۲۳۵

نیستند. این در حالی است که در بحث استثنائات ربا گذشت که بانک های دولتی و بانک مرکزی همگی تحت مالکیت یک شخصیت حقوقی بنام دولت قرار دارند و شرط تحقق ربا استقلال ربا دهنده و ربا گیرنده به لحاظ مالکیت است. بنابراین در زیرمجموعه مالکیت یک شخص اعم از حقیقی و حقوقی تحقق ربای قرضی معنا ندارد و صرفا جابجایی پول است.

کاستی های قانون

به رغم اینکه تنزیل دین یکی از ابزارهای رایج در بانکداری است و مشهور فقهای شیعه آن را صحیح می دانند، اما در قانون بانکداری بدون ربا بیع دین مطرح نشده است. بعید به نظر می رسد که از روی غفلت بدان اشاره نشده باشد. شاید با توجه به اینکه فتوای امام خمینی حرمت و بطلان بیع دین به شخص ثالث است،^{۱۱} از جهت رعایت فتوای ایشان در قانون به آن اشاره نشده است. البته قبل از تصویب این قانون در آئین نامه موقتی که در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱ به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده و در شورای نگهبان نیز آن را مخالف با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشده بیع دین وارد عملیات بانکی گردید. با اینکه در قانون مصوب طبق ماده ۲۶ کلیه قوانین مغایر لغو شده است، اما این آئین نامه به قوت خود باقی است. این آئین نامه در سال ۱۳۶۶ در شورای پول و اعتبار مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت.^{۱۲}

در قانون فعلی اهداف ذکر شده برای نظام بانکی بیانگر انتظارات قانونگذار از بانک است. بسیاری از اهداف مورد اشاره در قانون در واقعیت نمی تواند اهداف بانکهای خصوصی باشد. بنابراین بهتر است در صورت بازنگری قانون، جایگاه بانک های خصوصی در نظام بانکی کشور به دقت روشن شود.

در قانون فعلی سخنی از کارمزد قرض الحسنه به میان نیامده است. اشکالاتی که به اصل کارمزد، نرخ کارمزد، و سالیانه بودن آن وارد شده است اقتضا می کند در صورت بازنگری قانون تکلیف آن مشخص شود. در این قانون از شورای پول و اعتبار سخن به میان آمده ولی راجع به ماهیت آن اعضاء و وظایف آن سخن به میان نیامده است.

در ماده ۲ بند ۱ انتشار اسکناس جزء وظایف نظام بانکی برشمرده شده است در حالی که هم اکنون بانک مرکزی

^{۱۱} . استفتاءات (امام خمینی)، ج ۲، ص ۱۷۵

^{۱۲} . موسویان، سیدعباس، تبیین فقهی بانکداری بدون ربا (مدل ایران و اردن)، فقه و حقوق، ص ۱۲۵

آن را بر عهده گرفته است.

در ماده ۲ بند ۴ نظارت بر معاملات ارز و طلا از وظایف نظام بانکی برشمرده شده است در حالی که از وظایف بانک مرکزی است.

به دلیل حساسیت بانک، وجود یک نهاد مستقل که مسئول نظارت شرعی بر فعالیت بانک باشد تحت عنوان کمیته فقهی یا هر عنوان دیگر لازم است. در قانون فعلی چنین نهادی تعبیه نشده است. همانگونه که بعداً به تفصیل خواهد آمد یکی از شروط اساسی موفقیت نظام بانکداری بدون ربا امر آموزش کارکنان و مشتریان بانک است. این مسئله در قانون باید وارد شود و جزء تکالیف بانک مرکزی و نظام بانکی قرار داده شود تا اجرای آن تضمین قانونی داشته باشد.

ارزیابی مصوبات هیئت وزیران و شورای پول و اعتبار و بخش‌نامه‌های بانک مرکزی

طبق ماده ۲۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا آئین نامه های اجرایی قانون مزبور باید با پیشنهاد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تهیه و در هیأت دولت تصویب شود. علاوه بر آن شورای پول و اعتبار نیز مصوباتی دارد که طبق قانون باید توسط بانک مرکزی اجرا شود؛ البته در متن قانون عملیات بانکی بدون ربا سخنی از شورای پول و اعتبار به میان نیامده است؛ اما طبق قانون پولی و بانکی کشور شورای پول و اعتبار رکن سیاستگذاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین بخشی از وظایفی که در قانون عملیات بانکی بدون ربا به بانک مرکزی سپرده شده عملاً باید از کانال شورای پول و اعتبار عبور کند. بانک مرکزی نیز جهت کنترل و اداره نظام بانکی بخش‌نامه‌هایی صادر می‌کند که اخیراً در سایت بانک مرکزی مجموع بخش‌نامه‌های یک سال در قابل یک فایل چندصد صفحه‌ای منتشر می‌شود. بنابراین بررسی تک تک آئین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌ها برای بررسی وجود ربا کار بسیار دشواری است که در قالب این تحقیق نمی‌گنجد؛ اما به یقین مواردی وجود دارد که سبب تحقق شبهه ربا در نظام بانکی است. به عنوان مثال تکلیف بانک‌ها به اعطای تسهیلات ودیعه مسکن در سال ۱۳۹۹ با صدور دستور العملی به شماره نامه ۹۹.۱۶۴۳۱۱ مورخ ۲۸ مرداد ماه ۱۳۹۹ صورت گرفت. این وام با اینکه قرض الحسنه است با نرخ کارمزد ۱۲ درصد به متقاضیان واگذار می‌شود. این در حالی است که طبق آخرین مصوبه شورای پول و اعتبار نرخ کارمزد قرض الحسنه ۴ درصد است و اگر بانک بخواهد نرخ سود بیشتری دریافت کند باید در قالب یکی از عقود متعارف انجام شود. همانگونه که قبلاً بیان شد یکی از

شروط مجاز بودن کارمزد متعارف بودن نرخ آن است.

به هر حال لازم است نقش آئین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها و دستور العمل‌های بانک مرکزی در تشدید بی‌اعتمادی به نظام بانکی در حذف ربا در تحقیق مستقلی ارزیابی شود.

محتوای قراردادهای بانکی

تا پیش از سال ۱۳۹۲ هر یک از بانک‌ها قراردادهای مورد نیاز برای اعطای تسهیلات را خودشان تهیه و تنظیم می‌کردند. در تاریخ ۱۳۹۲/۷/۱۱ بانک مرکزی در راستای اجرای تبصره ذیل ماده (۲۳) «قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار» مصوب ۱۳۹۰/۱۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی، موضوع «یکنواخت‌سازی فرم عقود تسهیلات بانکی»، قرارداد مشارکت مدنی، در سال بعد در تاریخ ۱۳۹۳/۱۲/۲۳ فرم قرارداد قرض الحسنه را به بانک‌ها ابلاغ کرد. سپس در اواخر سال ۱۳۹۴ فایل الکترونیکی فرم قراردادهای عقود «اجاره به شرط تملیک»، «خرید دین»، «مرابحه»، «مزارعه»، «مساقات»، «استصناع»، «جعاله» و «سلف»، را به بانک‌ها ارسال کرد و از آنها خواست تا پایان سال با چاپ و توزیع آنها تمامی قراردادهای بر اساس آنها تنظیم و منعقد کنند. فرم این قراردادها در سایت بانک مرکزی در دسترس عموم قرار گرفته است. پس از بررسی محتوای قراردادهای اشکالات آن در سه سطح دسته بندی شد.

اشکالات کلی

یکی از مشکلات قراردادهای بانکی طولانی بودن متن قراردادهای است. قراردادهای تنظیم شده توسط بانک مرکزی برای هر یک از تسهیلات بیش از ده صفحه رحلی (A4) است. این موضوع باعث شده مشتریان معمولاً از توجه تفصیلی به مفاد قرارداد صرف نظر کنند و ندانند قرارداد بر اساس کدام معامله شرعی تنظیم شده است؛ گزارش یک تحقیق میدانی نشان می‌دهد در تسهیلات فروش اقساطی ۸۷ درصد، در تسهیلات مشارکت مدنی ۷۳ درصد، اجاره به شرط تملیک ۶۰ درصد و در تسهیلات جعاله ۵۵ درصد مراجعه کنندگان به بانک اعلام کرده‌اند نسبت به مفاد قرارداد آگاهی کامل نداشته‌اند.^{۱۳}

^{۱۳}. نظریور، محمدنقی، یوسفی شیخ رباط، محمدرضا، ابراهیمی، میمنت، شاخص‌های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، بررسی موردی تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه

علاوه بر طولانی بودن، حقوقی بودن متن قراردادهای نیز مشکل دیگری است که شبهه را تقویت می‌کند. اگر کسی فرصت کند متن قرارداد را مطالعه کند، در صورتی متوجه جزئیات آن می‌شود که بر اصطلاحات فقهی و حقوقی تسلط داشته باشد و این امر برای بسیاری از مشتریان بانک میسر نیست؛ لذا درک صحیحی از مفاد قرارداد برایشان حاصل نمی‌شود. در تحقیق مورد اشاره ۷۱ درصد از مراجعه کنندگان به بانک اعلام کرده اند متن قراردادهای بانکی رسا و قابل فهم نیست.^{۱۴}

مشکل دیگر یکجانبه بودن قراردادهای بانکی است. اگر کسی متن قراردادهای را مطالعه کند و به مسائل فقهی و حقوقی نیز آشنا باشد، به وضوح تصدیق می‌کند قرارداد به صورت یکجانبه به گونه‌ای به نفع بانک تنظیم شده که بانک به اصل و سود سرمایه را بعد از پایان مدت قرارداد وصول کند. به عبارت دیگر در تسهیلات مشارکتی که بر مبنای مشارکت در سود و زیان تنظیم شده است بانک هرگز زیان نمی‌بیند بلکه در عمل همیشه حداقل سود انتظاری را وصول می‌کند. در تحقیق مورد اشاره ۷۰ درصد کارکنان بانک و ۸۱ درصد مشتریان معتقدند در عقود مشارکتی بانک در زیان‌های تحمیل شده به مشتری مشارکت نمی‌کند. همچنین ۵۰ درصد کارکنان و ۷۲ درصد مشتریان معتقدند بانک هیچ گونه نظارتی بر عملکرد کارفرما (عامل) ندارد.

اشکالات مواد مشترک

در مجموع ۲۴ ماده از مواد قراردادهای مزبور که بیش از ۹۰ درصد حجم قرارداد را تشکیل می‌دهد، مشترک است و تقریباً در همه قراردادهای تکرار شده است. مثلاً اینکه مشتری ملزم است در صورت تغییر محل سکونت، آدرس محل جدید را به بانک اعلام کند، و یا اینکه دفاتر و صورتحساب های بانک یا مؤسسه اعتباری از نظر اعلام به مراجع قضایی و یا دفاتر اسناد رسمی... ملاک عمل می‌باشد، در همه قراردادهای تکرار شده است. بعد از بررسی به عمل آمده روشن شد از بین مواد مشترک قراردادهای فقط جریمه تأخیر که در قالب وجه التزام دریافت می‌شود، در بین فقها محل بحث و گفتگو است. در بررسی به عمل آمده در همین تحقیق نتیجه

پایدار) سار چهاردهم، شماره سوم، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۹۲

^{۱۴}. نظریور، محمدنقی، یوسفی شیخ رباط، محمدرضا، ابراهیمی، میمنت، شاخص های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، بررسی موردی تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس، پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه

پایدار) سار چهاردهم، شماره سوم، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۹۲

آن شد که اگر جریمه تأخیر در قالب وجه التزام دریافت شود به لحاظ فقهی مشکلی متوجه آن نیست. اما برخی از مراجع تقلید معاصر آن را حتی در قالب وجه التزام صحیح نمی‌دانند.

اشکالات مواد اختصاصی

مواد اختصاصی قراردادها نیز بررسی شد، و اکثر قراردادها از این جهت نیز مصون از شبهه ربا بودند. تنها چند مورد محل تأمل بود که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

تضمین اصل سرمایه و سود در مضاربه؛

در ماده هشت سخن از ضرر سرمایه به میان آمده و بانک از عامل نسبت به اصل سرمایه به صورت شرط فعل تضمین گرفته است. بسیاری از معاصرین اخذ تعهد از عامل به صورت شرط فعل برای جبران ضرر سرمایه را پذیرفته‌اند. بنابراین شرط مزبور طبق فتوای مشهور معاصرین صحیح است. در این ماده راجع به تضمین سود سخنی به میان نیامده است. اما در ماده ۱۰ که مربوط به پرداخت وجه التزام در صورت تأخیر تأدیه است، گویا تضمین سود نیز مطرح شده است. دستورالعمل محاسبه وجه التزام به صورت زیر است:

$$\frac{\text{تعداد روز} \times \text{نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین} \times \text{مانده مطالبات}}{\text{تعداد روزهای واقعی سال} \times 100}$$

در تبصره ذیل همین ماده عبارت «مانده مطالبات» که در قسمت صورت دستور العمل آمده، چنین تفسیر شده است: «مانده مطالبات مندرج در دستورالعمل محاسباتی این ماده شامل مانده از اصل سرمایه مضاربه به علاوه فواید مترتب بر آن می‌باشد که عامل ضمن عقد خارج لازم تقبل نموده و ملزم به پرداخت آن گردید». از این عبارت چنین بر می‌آید که عامل هم نسبت به اصل سرمایه و هم نسبت به سود آن تضمین داده است. در حالی که قبلاً در ماده ۸ فقط نسبت به اصل سرمایه تعهد داده بود. در ماده ۱۱، مطالبه خسارت از عامل در صورت تخطی از مفاد قرارداد طبق دستور العمل زیر مطرح شده است:

$$\frac{\text{تعداد روز} \times \text{نرخ خسارت} \times \text{مانده مطالبات}}{\text{تعداد روزهای واقعی سال} \times 100}$$

در ذیل این ماده عبارت مانده مطالبات مثل ماده قبل چنین تفسیر شده است: «مانده مطالبات مندرج در

دستورالعمل محاسباتی این ماده شامل مانده از اصل سرمایه مضاربه به علاوه فواید مترتب بر آن می‌باشد که عامل ضمن عقد خارج لازم تقبل نموده و ملزم به پرداخت آن گردید».

علاوه بر اشکال قبلی مبنی بر اینکه عامل نسبت به فواید مترتب بر سرمایه تعهدی نداده است، دو اشکال بر این تبصره وارد است؛ اشکال اول آنکه مشهور فقها این موارد را مصداق عدم النفع می‌دانند و معتقدند عدم النفع مصداق ضرر و خسارت نیست. به لحاظ قانونی نیز صدق خسارت ثابت نیست. در ماده ۲۲۱ قانون مدنی آمده است:

اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند، در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است مشروط بر این که جبران خسارت تصریح شده و یا تعهد عرفاً به منزله تصریح باشد و یا بر حسب قانون موجب ضمان باشد.

این ماده صراحتی در ثبوت خسارت ندارد؛ بلکه در صورت تخلف، شخص متعهد را مسئول ثبوت خسارت دانسته است. این بیان اثبات نمی‌کند که از نظر قانون‌گذار تخلف عامل مضاربه از مفاد قرارداد مستلزم وقوع خسارت در سرمایه مضاربه است.

علاوه بر آن فرض کنید عامل مضاربه محل سکونت خود را تغییر داده و به بانک اطلاع نداده است. طبق تبصره مندرج در ماده یک قرارداد تخلف صورت گرفته است؛ بنابراین بانک می‌تواند طبق ماده ۱۱ از وی خسارت بگیرد؛ مقدار خسارت نیز عبارت است از اصل سرمایه و سود آن که با نرخ سود انتظاری به علاوه شش درصد از عامل گرفته می‌شود.

این شرط حتی اگر از سوی عامل پذیرفته شده باشد و از باب «المؤمنون عند شروطهم» نافذ باشد، بدور از انصاف و اجحاف در حق عامل مضاربه است. امتیاز تسهیلات در سطح کلان در اختیار بانکها قرار دارد و بسیاری از مردم برای تأمین مالی کسب و کار خود مجبورند از تسهیلات بانکی استفاده کنند؛ همین عامل باعث شده بانک از موقعیت خود سوء استفاده کند و غیر منصفانه ترین شروط را در قراردادهای بانکی بگنجاند؛ در نظام اسلامی به تک تک آحاد مردم باید به دیده کرامت نگریست؛ وجود چنین موادی در قراردادهای بانکی باعث اجحاف در حق آحاد جامعه است و با کرامت انسانی سازگاری ندارد.

پس از بررسی تفصیلی بقیه مواد اختصاصی قراردادهای نگارنده به مسئله‌ای که نشان از ربای قرضی یا حلیه‌های مردود آن باشد، دست نیافت.

عدم اجرای دقیق مفاد قانون توسط متصدیان بانک و مشتریان

به رغم تدوین و ابلاغ قانون عملیات بانکی بدون ربا و تهیه آئین‌نامه‌های متناظر به فصول و مواد آن، قانون مزبور در عمل به درستی اجرا نمی‌شود. یکی از علل آن، کوتاهی متصدیان و بی‌توجهی مشتریان بانک است. در دو تحقیق میدانی جداگانه صوری بودن قراردادهای بانکی در شعب دو بانک در شهرهای مشهد و شیراز برآورد شده است.^{۱۵} جامعه آماری، کارکنان و مراجعه کنندگان به بانک بوده است که به صورت تصادفی نمونه‌هایی از آنها انتخاب شده‌اند. برخی از پرسش‌های مطرح شده در هر دو تحقیق یکسان و برخی متفاوت است؛ از این رو نتایج هر دو تحقیق در جدول زیر ارائه شده است.

پرسش‌ها		موافقان (درصد)			
		بانک تجارت مشهد		بانک ملت شیراز	
		متصدیان	مشتریان	متصدیان	مشتریان
۱.	آیا مراجعه کنندگان به بانک نسبت به اسلامی بودن عملیات بانکی احساس مسئولیت می‌کنند؟	۳۶		۱۷	
۲.	آیا به نظر شما مسئولین اجرایی مخصوصا روسای شعب به ماهیت عقود اسلامی اعتقاد و التزام دارند؟				۱۸
۳.	آیا تفاوتی میان بهره و سود بانکی وجود دارد؟	۸۳	۴۲	۵۳	۳۰
۴.	به نظر شما تفاوتی میان بانک های کنونی و بانکداری ربوی وجود دارد؟	۷۸	۴۲	۴۸	۳۲
۵.	آیا فاکتورهای مورد نیاز در تسهیلات بانکی صوری است؟		۸۲	۸۳	۷۹
۶.	آیا در فروش اقساطی برای شما مهم است مشتری دقیقا همان کالا را بخرد؟	۴۱			
۷.	آیا حاضرید به هر قیمتی به مراجعه کننده وام دهید حتی اگر در قالب عقود مصرح در قانون نگنجد؟	۶۱			
۸.	آیا شما هنگام امضای قرارداد فروش اقساطی نسبت به مفاد آن به طور کامل آگاهی داشته و قصد اجرای معامله به طور صحیح (با توجه به مفاد قرارداد) را داشته اید؟		۱۳		

^{۱۵}. نظریور، محمدنقی، یوسفی شیخ رباط، محمدرضا، ابراهیمی، میمنت، شاخص های صوری شدن معاملات در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران، بررسی موردی تسهیلات اعطایی شعب بانک تجارت مشهد مقدس، پژوهش های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار) سار چهاردهم، شماره سوم، ۱۳۹۳، ص ۶۵-۹۲؛ شهنازی، روح الله، مجتبی پناهی، «سنجش میزان صوری بودن قراردادهای تسهیلات بانکی: مطالعه موردی بانک ملت شیراز»، اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره ۱۶، ۱۳۹۵، ص ۲۰۲-۱۷۵

۹.	آیا شما هنگام امضای قرارداد اجاره به شرط تملیک به مفاد آن آگاهی داشتید و قصد انشاء همان قرارداد را داشته اید؟	۴۰		
۱۰.	آیا شما هنگام امضای قرارداد جعاله به مفاد آن به طور کامل آگاهی داشته و قصد اجرای معامله را به صورت صحیح داشته اید؟	۴۵		
۱۱.	آیا شما هنگام امضای قرارداد مشارکت مدنی نسبت به مفاد آن آگاهی داشته و قصد اجرای معامله به صورت صحیح را داشته اید؟	۲۷		
۱۲.	آیا شما شرایط اخذ وام در چارچوب عقود اسلامی را برای مشتریان تشریح می کنید؟	۷۰		
۱۳.	آیا شرایط اخذ وام در چارچوب عقود اسلامی برای شما توسط کارگزار بانک تشریح شده است؟	۲۰		
۱۴.	آیا در وام هایی که فعالیت به صورت مشارکتی با بانک انجام می شود، اگر زبانی در فعالیت به وام گیرنده تحمیل شود، بانک در زیان شریک می شود؟	۳۰	۱۹	
۱۵.	آیا بانک در عقود مشارکتی بر فعالیت کارفرما نظارت می کند؟	۵۰	۲۸	
۱۶.	آیا با عقود بانکداری بدون ربا آشنایی دارید؟		۴۱	
۱۷.	آیا موارد ابطال یک عقد بانکی را می دانید؟	۸۸	۲۰	
۱۸.	آیا شما وام هایی را که از بانک دریافت کرده اید به همان مقصدی که در متن عقود ذکر شده، هزینه کرده اید؟		۴۳	

در پرسش اول و دوم برداشت هر دو طیف متصدیان و مشتریان بانک نسبت به هم ارزیابی شده است. متأسفانه نگرش هر یک از طرفین درباره التزام، اعتقاد و احساس مسئولیت طرف مقابل نسبت به بانکداری اسلامی منفی است.

پرسش سوم و چهارم نیز در نوع خود قابل توجه است. بیشتر مراجعه کنندگان تفاوتی بین سود و بهره، بانکداری بدون ربا و بانکداری ربوی قائل نیستند. گویا آنها معتقدند قصد محتوای قراردادها، در جایی که نتایج یکسان است، واقعیت را تغییر نمی دهد؛ بنابراین تفاوتی بین قرض ربوی - مثلاً - و بیع مرابحه نیست.^{۱۶}

در پرسش پنجم حدود ۸۰ درصد معتقدند فاکتورهای مورد نیاز برای دریافت تسهیلات صوری است. پرسش هجدهم نیز نشان می دهد بیش از نیمی از مشتریان بانک خود را ملتزم به متن قرارداد نمی دانند و تسهیلات را در غیر مورد توافق به کار می برند.

۱۶. احمد شعبانی، درآمدی بر بانکداری اسلامی، ص ۳۰۲

نسبت‌های گزارش شده در این دو تحقیق اگر چه از دو نمونه استخراج شده است، اما محققان با روش تعیین فاصله اطمینان نتایج را با ضریب اطمینان ۹۵ درصد به جامعه آماری تعمیم داده‌اند.^{۱۷} امروزه بسیاری از ما به بانک رفت و آمد داریم و از نزدیک در جریان امور بانکی هستیم و به صورت اجمالی آمارهای گردآوری شده در دو تحقیق مزبور را می‌توان تأیید کرد.

مشکلات مربوط به ماهیت بانکداری بدون ربا

در اسلام مجموعه‌ای از معاملات همچون بیع، اجاره، مضاربه، مساقات، مزارعه، جعاله، استصناع، شراکت امضا شده و قرض ربوی منع شده است. بنابراین بانکداری بدون ربا اگر بخواهد به دنبال سودآوری باشد باید به جای استفاده از قرض ربوی یکی از عقود مورد اشاره را به کار ببرد. البته در اکثر موارد شکل بسیط عقود مورد اشاره نمی‌تواند هدف بانک را تأمین کند؛ چون بانک برای تأمین منابع مالی مورد نیاز اشخاص حقیقی و حقوقی تأسیس شده است؛ بنابراین برای رسیدن به هدف خود یعنی تأمین مالی نیازمندی‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در بسیاری از موارد لازم است از عقود ترکیبی استفاده کند. مثلاً برای تأمین مالی پروژه قطار شهری به جای آنکه تسهیلات مالی را در قالب قرض در اختیار شهرداری قرار دهد و بعد از مدتی اصل و سود را به صورت تدریجی یا دفعتی باز ستاند، اقدام به خرید نقدی تجهیزات مورد نیاز پروژه نموده و سپس همان تجهیزات را در قالب بیع نسبه به مبلغ بیشتر به مجری پروژه می‌فروشد، تا به تدریج یا به صورت دفعتی ثمن معامله را که مشتمل بر سود است، باز ستاند. این مسئله باعث شده بانکداری بدون ربا با مشکلات زیر مواجه شود:

پیچیدگی قراردادهای ترکیبی نسبت به قرض ربوی

هم متصدیان و هم مشتریان بانک که می‌خواهند در چارچوب بانکداری بدون ربا فعالیت کنند باید درباره معاملات جایگزین قرض ربوی که مورد تأیید شرع قرار گرفته، اطلاعات کافی داشته باشند. شکل بسیط معاملات شرعی ساده و برای همه قابل فهم است؛ اما وقتی شکل ترکیبی به خود می‌گیرد؛ درک جزئیات آن

^{۱۷}. در هر دو تحقیق فاصله اطمینان مزبور استخراج شده است.

اندکی دشوار می‌شود. مثلاً در جعاله جاعل مبلغی را برای انجام عملی تعیین می‌کند، و بعد از انجام عمل توسط عامل باید جاعل مبلغ تعیین شده را به وی پرداخت کند. این معامله در بانکداری بدون ربا به کار رفته است. مثلاً بانک برای تعمیر مسکن تسهیلاتی در قالب جعاله پرداخت می‌کند. مشتری در فهم جزئیات معامله به کار رفته باز می‌ماند؛ چون در جعاله عمل بر عهده عامل است و منافع عمل به جاعل می‌رسد و عامل جعل تعیین شده را دریافت می‌کند. در تعمیر مسکن منافع عمل به صاحب خانه می‌رسد بنابراین او جاعل است؛ اما بانک که تعمیر مسکن را انجام نمی‌دهد حتی اگر عامل باشد عامل که پولی پرداخت نمی‌کند پس پرداخت تسهیلات در این قرارداد بر چه مبنایی انجام شده است و چگونه با جعاله قابل جمع است؟ این پیچیدگی باعث شده بسیاری از مراجعه کنندگان و دریافت کنندگان تسهیلات دقیقاً ندانند فرایند انجام معامله چگونه است. طبق آمار دو تحقیق مورد اشاره فقط ۴۱ درصد از مشتریان اعلام کرده اند نسبت به عقود به کار رفته در بانکداری بدون ربا آگاهی دارند؛ و به صورت خاص در مورد فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله و مشارکت فقط ۱۳، ۴۰، ۴۵ و ۲۷ درصد اعلام کرده‌اند مفاد قرارداد را دانسته و معامله را به شکل صحیح قصد کرده‌اند؛ و بقیه اطلاع دقیقی از ماهیت قرارداد نداشته‌اند. حال به این موارد اضافه کنید که در بسیاری از موارد تسهیلات بعد از موعد به دست مشتری می‌رسد و او مجبور از دین خود را با آن ادا کند که این مورد نیز یکی از مبطلات قراردادهای بانکداری بدون ربا است. البته مشکل آگاهی ناقص اختصاص به مشتریان ندارد، بلکه متصدیان بانکی نیز نیازمند آموزش در این زمینه هستند.

این مشکل مربوط به ماهیت بانکداری بدون ربا است و نمی‌توان آن را به کلی حل کرد. تنها راه کاهش پیامد منفی آن، آموزش عمومی و طراحی معاملات ساده‌تر است. بانک‌ها با آموزش کارکنان خود تا حدی این مشکل را بر طرف کرده‌اند طبق آمار مورد اشاره در تحقیق مربوط به مشهد ۹۶ درصد و در تحقیق مربوط به شیراز ۸۴ درصد اعلام کرده‌اند آموزش‌های کافی راجع به بانکداری بدون ربا را دیده‌اند. اما آموزش عمومی مشتریان بانک امری دشوار است و نیازمند صرف هزینه و برنامه ریزی جامع است. طراحی معاملات ساده نیز نیازمند تحقیق گسترده محققان اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی است. با روند فعلی پرورش محقق در این زمینه امیدی برای دستیابی به نتایج قابل قبول لااقل در کوتاه مدت وجود ندارد.^{۱۸}

^{۱۸}. در دانشگاه‌های کشور معمولاً رشته اقتصاد و بانکداری آموزش داده می‌شود. رشته اقتصاد اسلامی و بانکداری اسلامی در

فقدان انگیزه درونی برای رعایت محدودیت های بانکداری بدون ربا

از آنجا که معاملات امور اعتباری هستند، وجود قصد در آنها رکن شکل گیری معامله است. طرفین معامله باید هنگام معامله قصد داشته باشند و گرنه معامله صوری خواهد شد. وجود قصد در معاملات آنقدر اهمیت دارد که قاعده العقود تابعه للقصد به عنوان یک قاعده در فقه مطرح شده است. گاهی قصد طرفین تعیین کننده یک معامله است. مثلاً اگر ناظری از دور ببیند که کسی به دیگری مبلغی پول می دهد و طرف مقابل هم آن را قبول می کند؛ نمی تواند دقیقاً راجع به ماهیت عمل قضاوت کند. ممکن است آن پول ودیعه ای باشد که شخص به دیگری سپرده است. همچنین امکان دارد به وی بدهکار بوده و بدهی خود را تصفیه کرده است. همچنین امکان دارد تحت عنوان مضاربه مبلغ مزبور در اختیار طرف مقابل قرار داده شده است.

در بانکداری بدون ربا نیز برای تحقق عناوینی که صورت شرعی داشته باشد لازم است طرفین معاملات را به همان صورت که در شرع تعیین شده قصد کنند در غیر این صورت معامله مزبور محقق نمی شود. قصد معاملات مزبور نیز بستگی به اراده طرفین دارد و اینکه آنها تا چه حد نسبت به رعایت ضوابط شرع پایبند هستند. برخی از افراد ممکن است برایشان اهمیت نداشته باشد که ضوابط شرع رعایت شود یا نه؛ طبیعتاً آنها انگیزه ای ندارند طبق دستور شرع عمل کنند. آنها فقط به دنبال دستیابی به تسهیلات هستند و برایشان اهمیتی ندارد ضوابط شرع رعایت شده باشد یا نه. متأسفانه در بین متصدیان بانک نیز وجود دارد. بر اساس گزارش تحقیق اول به اعتقاد متصدیان بانک فقط ۳۶ درصد از مشتریان بانک نسبت به اسلامی بودن عملیات بانکی احساس مسئولیت می کنند. این رقم در تحقیق دوم ۱۷ درصد است. در مقابل، مشتریان نیز معتقدند فقط ۱۸ درصد از مسئولان بانک به ماهیت عقود اسلامی اعتقاد و التزام دارند. به رغم اینکه در آموزه های اسلامی بر یادگیری احکام معاملات تأکید شده و روایت مشهور الفقه ثم المتجر از امیر المؤمنین اشاره به همین مطلب دارد. در حالی که طبق آمار استخراج شده در دو تحقیق مورد اشاره ۸۰ درصد مصاحبه شوندگان اعلام کرده اند

مراکز آموزشی معدودی مثل دانشگاه امام صادق، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و جامعه المصطفی انجام می شود. خروجی این مراکز نیز بسیار محدود است به عنوان مثال مجموع کسانی که در انجمن علمی اقتصاد اسلامی حوزه با مدرک کارشناسی ارشد و دکتری عضو هستند؛ کمتر از صد نفر است. از میان این عده نیز کسانی که به صورت خاص در حوزه بانکداری اسلامی فعالیت کنند بسیار اندک هستند. بعد از رحلت مرحوم حجت الاسلام دکتر موسویان و مرحوم حجت الاسلام دکتر نظریور خلأ محقق در حوزه بانکداری بدون ربا بسیار بیشتر احساس شد.

از موارد ابطال یک عقد بانکی آگاهی ندارند. این یعنی کوتاهی بخش قابل توجهی از مشتریان بانک در یادگیری احکام معاملات.

همچنین فقط ۴۱ درصد از متصدیان بانک گفته اند برایشان اهمیت دارد که در فروش اقساطی مشتری دقیقاً همان کالایی را که در قرارداد مشخص شده خریداری نماید. در پاسخ به این سوال نیز که اگر تسهیلات درخواستی مشتری در قالب عقود مصرح در قانون نگنجد آیا خود را متعهد به رعایت قانون می دانید فقط ۳۹ درصد پاسخ مثبت داده اند یعنی ۵۹ درصد تقیدی به رعایت قانونی که سعی شده منطبق بر شرع باشد، ندارند.

عدم انعطاف قراردادها برای پوشش نیازهای مشتریان بانک

طبق تحقیق‌های میدانی مورد اشاره ۵۸ درصد کارکنان در تحقیق نخست و ۸۰ کارکنان در تحقیق دوم اعلام کرده‌اند قراردادهای موجود در بانکداری بدون ربا همه نیازهای مشتریان یا پوشش نمی‌دهد. همین مسئله می‌تواند یکی از عوامل تخطی از قانون بانکداری بدون ربا باشد.

محدودیت ذاتی نهاد بانک به عنوان بستری برای اجرای قانون بانکداری بدون ربا

بررسی تاریخیچه بانک نشان می‌دهد که این نهاد از اساس یک نهاد انتفاعی بوده و بانکداران همچون هر بنگاه اقتصادی دیگری به دنبال حداکثر کردن سود خود بوده‌اند. با این تفاوت که سایر بنگاه‌ها با فعالیت در بخش واقعی اقتصاد به تولید کالا و خدمات اشتغال دارند؛ اما بانک‌ها با تأمین منابع مالی مورد نیاز آنها و همچنین تأمین مالی نیازهای مصرفی مصرف کنندگان کسب درآمد می‌کنند. سه محور اساسی کسب درآمد در سیستم بانکی تعیین مبلغ، مدت و نرخ بهره است. بانک بعد از توافق با متقاضی وام در سه محور مورد اشاره، مبلغ مورد توافق را در اختیار وی قرار می‌دهد و بعد از مدت مورد توافق، اصل وام و بهره مورد توافق را باز می‌ستاند. همچنین بانک‌ها برای آنکه منابع مالی بیشتری در اختیار داشته باشند، معمولاً اقدام به جذب سپرده می‌کنند و برای تشویق بخش خصوصی در ازای سپرده‌ها به آنها بهره پرداخت می‌کنند. در فرایند اعطای بهره به سپرده‌ها نیز سه محور اساسی مبلغ، مدت و نرخ بهره وجود دارد. البته ممکن است مدت مورد توافق روزشمار یا ماهانه یا سالانه باشد. در برخی از کشورها به سپرده‌ها سودی تعلق نمی‌گیرد و کسانی که خواهان سود هستند، باید اوراق قرضه خریداری کنند.

در اسلام ربای معاملی و ربای قرضی حرام شده است؛ از آنجا که اعطای وام با بهره در نظام بانکداری متعارف منطبق قرض ربوی است، در بانکداری اسلامی نمی‌توان از آن ابزار استفاده کرد؛ البته ابزارهای دیگری وجود دارد که با به‌کارگیری آنها تا حدودی وظایف اصلی بانک یعنی تأمین مالی انجام می‌شود. آن ابزارها استفاده از عقود اسلامی است. اما اشکال اصلی در اندراج تأمین مالی بر عقود اسلامی آن است که به جز قرض الحسنه در هیچ یک از این عقود یک طرف تنها نقش تأمین کننده منابع مالی را بر عهده ندارد. بلکه خود نیز مستقیم با بخش واقعی اقتصاد درگیر است. بنابراین بانک با تعریفی که از آن شده و وظایفی که در اقتصاد بر عهده‌اش گذاشته شده قابل تطبیق بر بانکداری اسلامی نیست. از این رو در بانکداری فعلی تمامی مفاهیم بانکداری ربوی معادل سازی شده و سعی شده با افزودن شروط و قیود متعدد به قراردادهای ویژگی‌های قرارداد بانکداری متعارف حفظ شود. همانگونه که پیش از این در بررسی مفاد قراردادهای بانکی بیان شد قراردادهای به گونه‌ای تنظیم شده است که بازگشت اصل و سود تسهیلات به بانک تضمین شود و در مواردی که تأخیر در کار باشد با مکانسیم وجه التزام منافع بانک حفظ شود. تعیین نرخ سود انتظاری توسط شورای پول و اعتبار عملاً به گونه‌ای است که در عقود مشارکتی مشتری خود را موظف به پرداخت همان مبلغ می‌داند و فرقی بین حصول سود و عدم حصول سود وجود ندارد.

در فروش اقساطی بانک با مشتری به توافق می‌رسد که کالای خاصی را که مورد نیاز اوست، خریداری کند و بعد به قیمت بیشتر به صورت نسبه به وی بفروشد. اما مبلغ تسهیلات را در اختیار وی قرار داده و در یکی از مواد قرارداد به مشتری وکالت می‌دهد که خود آن کالا را خریده و به قیمت بیشتر به صورت نسبه به خود بفروشد. و در عمل فرایند اعطای تسهیلات بسیار شبیه قرض ربوی می‌شود.

در جعاله نیز چنین است. بانک به عنوان عامل تعمیر مسکن را در قالب جعاله قبول می‌کند و مشتری به عنوان جاعل مبلغی را برای انجام عمل مزبور به عنوان جعل تعیین می‌کند. سپس بانک که نقش عامل را دارد مبلغ تسهیلات را در اختیار جاعل قرار می‌دهد و از او می‌خواهد به وکالت از بانک فرایند تخصیص مبلغ مزبور را در امر تعمیر مسکن مدیریت کند. و بعد از انجام پروژه جعل تعیین شده را که معادل تسهیلات و سود مورد توافق است به بانک پرداخت کند.

همه این تلاش‌ها نشان می‌دهد که بانک در صدد است نزدیک‌ترین شیوه‌ای به بانکداری متعارف را برگزیند و در عمل حتی از این هم نزدیک‌تر می‌شود. یعنی مثلاً در فروش اقساطی اهمیتی داده نمی‌شود که

کالای مورد توافق واقعاً خریداری شود و به فاکتور صوری اکتفا می‌شود. در مضاربۀ مشتری مبلغ وام را تا آخرین مهلت قرارداد نزد خود نگه می‌دارد و در نهایت به واریز حداقل سود انتظاری که توسط شورای پول و اعتبار تعیین شده اکتفا می‌شود.

جمع بندی علل عدم موفقیت

اگر چه تحلیل پیش گفته به این نتیجه ختم شد که بانک به لحاظ تعریف و وظایفی که بر عهده‌اش گذاشته شده ذاتاً با محدودیت مواجه است، و نباید انتظار داشت بعد از اندراج آن در چارچوب اسلامی به بانک اسلامی تبدیل شود. اما در عین حال می‌توان تا حدودی آن را اسلامی کرد. برداشتها حاکی از آن است که در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران در عمل نتوانسته است به همان حداقل‌ها دست یابد. از بین علل مورد اشاره شاید اصلی‌ترین علت عدم موفقیت در جلب نظر افکار عمومی در رابطه با حذف ربا عدم اجرای صحیح قانون توسط متصدیان و مشتریان بانک است و علت آن ضعف آموزش و پایین بودن سطح اعتقادات متصدیان و مشتریان است.

پیشنهادهای

همان گونه که اشاره شد انتظار تطبیق صد درصدی نظام بانکی بر مبانی فقه اسلامی انتظاری غیر واقعی است؛ اما امکان تطبیق حداکثری وجود دارد. برای اصلاح عملکرد بانک‌ها در راستای اسلامی شدن پیشنهادهای فراوانی ارائه شده است. از اصلاح قانون عملیات بانکداری بدون ربا گرفته تا طراحی قراردادهای سپرده‌های جدید.

به نظر می‌رسد اصلی‌ترین اشکال بانکداری بدون ربا عدم پایبندی به قانون فعلی هم از سوی متصدیان بانک و هم از سوی مشتریان است. علت آن نیز یا عدم آگاهی از جزئیات بانکداری بدون ربا است و یا عدم مبالات به رعایت آن. اگر نظام اسلامی بتواند این دو جهت را ترمیم کند می‌توان نسبت به موفقیت بانکداری بدون ربا خوش‌بین شد. از این رو چند پیشنهاد در این رابطه مطرح می‌شود:

۱. آموزش عمومی بانکداری اسلامی و ترغیب جامعه به رعایت آن

با توجه به اینکه بسیاری از مردم با بانک سر و کار دارند، لازم است بانک مرکزی دوره‌های آموزش بانکداری اسلامی را برای عموم به اجرا در آورد. راه اندازی این دوره‌ها به صورت کوتاه مدت به صورت حضوری و غیر حضوری می تواند اقشار مختلف را با بانکداری اسلامی آشنا کند. حتی می توان از مشوق هایی همچون اهدای جوایز نقدی و غیر نقدی برای ترغیب افراد استفاده کرد و یا حتی می توان با همکاری اتاق اصناف گذراندن این دوره را برای متقاضیان جواز کسب الزامی کرد. البته در این بین، نقش رسانه ملی را نباید نادیده گرفت. یکی از وظایف رسانه ملی روشنگری، دفاع از حیثیت نظام اسلامی و کمک به تحقق شعارها، اهداف و آرمانهای آن است. عملکرد بانک‌ها در موضوع حذف ربا امروزه به یک چالش برای نظام اسلامی تبدیل شده است. چرا نباید در رسانه ملی در کنار برنامه‌های تبلیغاتی، فیلم‌های کوتاه آموزشی که معاملات بانکی را به مخاطبان آموزش دهد، تولید نشود! در سال‌های اخیر حذف سیگار کشیدن در صحنه‌های فیلم‌ها و سریال‌ها، نشان دادن تقید رانندگان به استفاده از کمربند ایمنی، استفاده از کالای ایرانی و شرکت در انتخابات از سوی رسانه ملی به صورت جدی پیگیری شد و آثار فرهنگی مثبتی به دنبال داشت. اما تا کنون راجع به بانکداری اسلامی و آموزش قراردادهای بانکی و نشان دادن اهمیت رعایت آن به لحاظ شرعی هیچ آموزشی داده نشده است. از آنجا که معاملات اموری اعتباری هستند گاهی عدم آگاهی از جزئیات باعث قضاوت نادرست راجع به ماهیت یک معامله می شود. به عنوان مثال کسی که یک واحد مسکونی را اجاره کرده و مبلغی را به عنوان پول پیش به صاحبخانه پرداخت می‌کند، به فتوای بسیاری از فقهای معاصر اگر قرارداد به صورت قرض به شرط اجاره به مبلغ کمتر انشاء شود، به دلیل صدق ربای قرض اجاره باطل است. اما اگر قرارداد به صورت اجاره به شرط قرض انشاء شده باشد، اجاره و قرض هر دو صحیح هستند. همانگونه که مشاهده می‌شود در ظاهر نتیجه هر دو صورت یکسان است؛ هم قرض و هم اجاره به صورت همزمان با یک قرارداد انشاء شده است. اگر کسی از جزئیات احکام معاملات آگاه نباشد، این دو معامله را یکسان تلقی کرده و تفاوتی بین آنها نمی‌بیند. در حالی که فقهای معاصر اولی را جایز و دومی را باطل می‌دانند.

برای رشد حضور بانکداری اسلامی در جامعه علاوه بر آموزش باید جنبه‌های انگیزشی نیز مورد توجه قرار گیرد. اکثر قریب به اتفاق مردم ایران مسلمان هستند و به عالم پس از مرگ و سؤال از حلال و حرام باور دارند. تشریح این نکته که در بانکداری اسلامی بخشی از شرعی بودن عملیات بانکی بر عهده مشتری است و وی باید برخی مسائل را رعایت کند، می‌تواند سطح تقید به قانون بانکداری بدون ربا را ارتقاء بخشد.

پیشنهاد می‌شود برای آنکه مسئله آموزش عمومی به صورت جدی دنبال شود، در بازبینی قانون عملیات بانکی بدون ربا مسئله آموزش عمومی بانکداری اسلامی به عنوان یکی از وظایف بانک مرکزی در متن قانون گنجانده شود.

۲. انتخاب متصدیان بانکی از اقشار متعهد جامعه و آموزش جدی آنان؛

ظاهراً بانک‌ها در کنار آموزش بانکداری به کارمندان خود بانکداری اسلامی را نیز آموزش می‌دهند. و آمارهای دو تحقیق مورد اشاره نیز وجود چنین آموزش‌هایی را تأیید می‌کند. با این حال آنچه که دیده می‌شود عدم توجه بسیاری از متصدیان بانک به چارچوب قانون بانکداری بدون ربا در عمل است. این مسئله می‌تواند ناشی از ضعف آموزش‌ها باشد؛ به این بیان که اهمیت رعایت قانون به لحاظ شرعی درست تبیین نشده است. همچنین می‌تواند ناشی از پایین بودن سطح تعهد متصدیان بانکی باشد. بنابراین لازم است در جذب متصدیان بانک دقت بیشتری شود و تعبد آنها به مسائل شرعی -مثلاً در حدی که قوه قضائیه برای جذب قضات در نظر می‌گیرد- احراز شود و در مراحل آموزش نیز به آنها تفهیم شود که از طرف بانک آنها مسئولیت شرعی صحت قراردادها را بر عهده دارند.

۳. انحصار پرداخت تسهیلات خرد در قالب عقود مبادله‌ای

در تسهیلات مبتنی بر عقود مبادله‌ای مقدار سود بانک هنگام قرارداد ثابت و مشخص است. اما در عقود مشارکتی هنگام قرارداد فقط نسبت تقسیم سود مشخص است و مقدار آن بعد از پایان مدت قرارداد مشخص می‌شود. از آنجا که سنجش صحت و سقم مقدار سود اعلام شده توسط عامل در عقود مشارکتی دشوار است، بانکها به حداقل سود انتظاری که توسط شورای پول و اعتبار اعلام می‌شود اکتفا می‌کنند. مشتریان بانک نیز پذیرفته اند که باید حداقل آن را پرداخت کنند تا از پیگیری بانک در امان باشند، بنابراین مقدار سود واقعی را معمولاً اعلام نمی‌کنند و به پرداخت حداقل سود انتظاری اکتفاء می‌کنند. این رویه ظاهر تسهیلات مشارکتی را بسیار به قرض روبوی شبیه کرده است. گویا بانک مبلغی را در اختیار مشتری قرار می‌دهد و بعد از مدتی اصل و سود را باز می‌ستانند.

برای جلوگیری از این سوء تفاهم لازم است در تسهیلات مبتنی بر عقود مشارکتی تعیین مقدار سود در پایان

قرارداد به صورت واقعی تر دنبال شود؛ در تسهیلات خرد امکان سنجش سود و زیان عامل دشوار است. بنابراین پیشنهاد می شود بانک پرداخت تسهیلات مبتنی بر عقود مشارکتی را فقط به پروژهای اختصاص دهد که امکان راستی آزمایی عامل در اعلام مقدار سود و زیان وجود داشته باشد و تسهیلات خرد را فقط در قالب عقود مبادله ای پرداخت کند.

بر همین اساس می توان سپرده ها را هم تفکیک کرد. سپرده گذار می تواند هنگام سپرده گذاری این اختیار را داشته باشد که تعیین کند سرمایه اش در قالب عقود مبادله ای با سود ثابت پرداخت شود یا در قالب عقود مشارکتی با سود متغیر.

۴. لغو اعطای وکالت به مشتری در فروش اقساطی

طبق ماده ۵ قرارداد بیع مرابحه یا همان فروش اقساطی، امکان واگذاری حق انتخاب، خرید و تحویل کالا به مشتری وجود دارد. بر اساس این ماده بانکها مبلغ تسهیلات را به حساب مشتری واریز کرده و به وی وکالت می دهند کالای مورد توافق را به صورت نقد برای بانک خریده و سپس به صورت نسیه به قیمت بیشتر به خودش بفروشند. بسیاری از افراد به دلیل عدم آگاهی از فرایند صحیح بیع مرابحه و یا بی مبالاتی کالا را برای خود خریده و از محل واریزی بانک قیمت آن را پرداخت می کنند و سپس اصل و سود را به بانک طبق توافق باز می گردانند. فقط در مسئله فروش اقساطی مسکن است که بانک نماینده ای را به دفترخانه می فرستند با از طرف بانک مسکن را خریده و همانجا به مشتری به قیمت بیشتر منتقل کند. به نظر می رسد این روش عملیات بانکداری بدون ربا را بهتر از طرح وکالت به مشتری نشان می دهد. بنابراین لازم است تدبیر دیگری اندیشیده شود تا بانکها از وکالت استفاده نکنند. مثلاً بین بانک و شرکت های تولید کننده بزرگ توافق نامه ای امضا شود که طبق آن مشتری بانک با داشتن تأییدیه به هر یکی از مراکز توزیع کالای شرکت مزبور مراجعه کند بتواند کالای مورد نظر خود را خریداری کند و بانک ثمن کالا را به شرکت بپردازد.

۵. پرهیز از به کارگیری حیله های مجاز ربای قرضی

همانگونه که در فصل ششم به تفصیل بیان شد برخی از حیله های ربا واقعاً موضوع را تغییر داده و عرف نیز تغییر موضوع را تأیید می کند و آن را خارج از حریم حرمت ربا می داند؛ با این حال استفاده از آن حیله ها در

بانکداری بدون ربا به مصلحت نیست. چون در نظام بانکی معاملات فراوانی انجام می شود و تکرار این حيله ها ممکن است از بانکها را از منظر افکار عمومی حيله گر جلوه دهد. این نگاه حتی اگر در واقع امر توهّم باشد در ظاهر امر ممکن است برای بسیاری حاصل شود. درست مثل کسی که زغال گداخته را در آتش گردان قرار داده و می چرخاند. سرعت عمل او در چرخاندن باعث می شود ناظر بیرونی دایره ای از نور را ببیند در حالی که منبع نور یک تکه زغال است.